

وضعیت جمعیت روستایی و نحوه توزیع آن در استان خراسان

مجید یاسوری*

مقدمه:

چگونگی اسکان جمعیت در مراکز سکونتگاهی اعم از شهرها و روستاها از عمده‌ترین مضامین سازماندهی فضایی بشمار می‌آید. توزیع جمعیت در مناطق، متأثر از استراتژیهای توسعه و تنظیم برنامه‌های اقتصادی می‌باشد. چگونگی استقرار تأسیسات زیربنایی و اجتماعی، شیوه فعالیت‌های اقتصادی، نحوه دسترسی به انواع خدمات و عواملی از این قبیل، در الگوی اسکان جمعیت تأثیر می‌گذارند. از طرفی نیز، نحوه استقرار جمعیت در تعیین استراتژی توسعه بسیار مؤثر است. توزیع جمعیت ممکن است دارای اهداف ملی یا منطقه‌ای باشد. یکی از عوامل اصلی توزیع جمعیت مهاجرت است. مهاجرت در ابعاد مختلف می‌تواند در مناطق تأثیراتی داشته باشد: اولاً مهاجرت ممکن است سایر مناطق را از منابع محروم کند و در شهرها نیز اثرات سوء برجای گذارد؛ ثانیاً مهاجرت ممکن است با انتقال نیروی بیکار کشاورزی به مناطقی که دارای منابع طبیعی بوده و با کمبود نیروی کار مواجه است موجب تعادل در توزیع نیروی کار و منابع شود. (۱)

حال باید ببینیم با توجه به توزیع کنونی جمعیت روستایی، در افق ۱۴۰۰، توزیع آن چگونه خواهد بود.

وضع موجود جوامع روستایی استان خراسان:

استان خراسان در منطقه خشک واقع شده، لذا از لحاظ دسترسی به منابع آب با مشکل روبرو می‌باشد. پایین رفتن سطح آب زیرزمینی، شوری منابع آب، تبخیر و تعرق

بسیار زیاد، از مشکلات آبی استان است. درخصوص زمینهای کشاورزی نیز، هر چند در سالهای اخیر بر سطح زیرکشت محصولات کشاورزی افزوده شده ولیکن استفاده بی‌رویه از زمینهای کشاورزی، عدم رعایت آیش و عدم رعایت اصول کشت و آبیاری باعث شده تا خاکهای حاصلخیز رفته رفته فرسایش یابند. فقر مراتع نیز باعث شده تا دامداری نیز نتواند به‌عنوان یک فعالیت غالب مطرح باشد. در چنین شرایطی، انتظار تثبیت جمعیت روستایی چندان معقولانه به‌نظر نمی‌رسد. هر چند در دهه ۱۳۶۰ ورود مهاجران افغانی به مناطق روستایی شرق استان موجب بالا رفتن جمعیت روستایی گردید ولیکن با خروج اکثریت افغانه مقیم استان از یک‌طرف، و کاهش زاد و ولد و اجرای برنامه‌های تنظیم خانواده و ادامه روند شهرنشینی، جمعیت روستایی استان در سالهای اخیر کاهش یافته است.

جمعیت روستایی استان ریشه در نظام معیشت روستایی داشته و تا حدود زیادی متکی به عوامل طبیعی است. شرایط ناهمواریها، آب و هوا، خاک، پوشش گیاهی، دسترسی به منابع آب و عوامل طبیعی دیگر در شکل‌گیری و ادامه حیات روستاهای استان بسیار مؤثر بوده‌اند. به علاوه، عوامل قومی و مذهبی نیز در مواردی بر تراکم یا پراکندگی جمعیت روستایی استان تأثیر گذاشته است. برخورداری از مجموعه عوامل و استعدادهای طبیعی و اقتصادی باعث شده تا برخی از مناطق روستایی استان دارای قابلیت‌های توسعه بوده و قادر به حفظ جمعیت روستایی باشند. روند کلی رشد جمعیت روستایی تنزلی بوده است. در سال ۱۳۵۵ جمعیت روستایی استان ۲۰۱۹ هزار نفر بود. در طی ده سال (۶۵-۱۳۵۵) جمعیت روستایی استان با نرخ رشد ۲/۱ درصد به ۲۷۳۲ هزار نفر افزایش یافت. درحالی که در دهه (۷۵-۱۳۶۵) جمعیت روستایی به شدت تنزل کرده و با نرخ رشد منفی و متوسط سالانه ۰/۴- درصد به ۲۶۲۷ هزار نفر کاهش یافت. (۲)

تحولات جمعیت روستایی در شهرستانهای استان با نوسانات شدیدی روبرو بوده است (در دهه ۷۵-۱۳۶۵ نرخ رشد جمعیتی از ۴/۲- درصد در شهرستان نهبندان تا ۲+ درصد در شهرستان سرخس نوسان داشته است).

از مجموع ۲۰۱۹ هزار نفر جمعیت روستایی استان خراسان در سال ۱۳۵۵، ۱۰/۷

درصد یعنی ۲۱۶ هزار نفر در شهرستان مشهد سکونت داشته‌اند. شهرستان سبزوار با ۱۹۰ هزار نفر (۹/۴ درصد)، نیشابور با ۱۸۵ هزار نفر (۹/۱ درصد)، بجنورد با ۱۸۳ هزار نفر (۹ درصد) و شهرستان تربت حیدریه با ۱۷۷ هزار نفر (۸/۷ درصد) در رده‌های بعدی قرار داشته‌اند. در مجموع پنج شهرستان فوق‌الذکر ۹۵۱ هزار نفر (۴۷ درصد) از جمعیت روستایی استان را به خود اختصاص داده‌اند. در این سال، شهرستان طبس با ۲۵ هزار نفر تنها ۱/۲ درصد از جمعیت روستایی را دربر داشت این شهرستان به همراه شهرستانهای نهبندان، فریمان، سرخس، بردسکن و خواف حدود ۹ درصد از جمعیت روستایی استان را دارا بودند.

در سال ۱۳۶۵ جمعیت روستایی استان به ۲۷۳۲ هزار نفر رسید. سهم شهرستان مشهد ۲۹۶ هزار نفر یعنی ۱۰/۸ درصد از جمعیت روستایی استان بود. شهرستانهای نیشابور با ۲۴۶ هزار نفر (۹ درصد)، سبزوار با ۲۴۳ هزار نفر (۸/۹ درصد)، بجنورد با ۲۲۷ هزار نفر (۸/۳ درصد)، بیرجند با ۲۱۶ هزار نفر (۷/۹ درصد) و شهرستان تربت حیدریه با ۲۱۱ هزار نفر (۷/۷ درصد) در رده‌های بعدی قرار داشتند. در مجموع شهرستانهای فوق‌الذکر ۵۲/۶ درصد از جمعیت روستایی استان را به خود اختصاص داده‌اند. بالاترین نرخ رشد جمعیت روستایی در دهه (۶۵-۱۳۵۵) مربوط به شهرستان تایباد است که به نظر می‌رسد، با توجه به مهاجرت افغانه به این شهرستان، امری طبیعی است. شهرستانهای خواف و نهبندان نیز که پذیرای مهاجرین افغانی بوده‌اند، دارای نرخ رشد بالای ۶ درصد بودند. در این دهه شهرستانهای فردوس و درگز دارای نرخ رشد روستایی منفی بودند. در سال ۱۳۷۵، جمعیت روستایی استان با نرخ رشد منفی روبرو گردید. لذا، کل جمعیت روستایی استان در این سال به ۲۶۲۷ هزار نفر تنزل یافت. شهرستان مشهد همچنان دارای بالاترین درصد جمعیت روستایی استان است. جمعیت روستایی این شهرستان حدود ۳۴۰ هزار نفر یعنی ۱۳ درصد از کل جمعیت روستایی استان بود. سهم این شهرستان در دهه (۷۵-۱۳۶۵) نسبت به دهه‌های قبلی افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته است. بعد از شهرستان مشهد شهرستانهای نیشابور، بجنورد، سبزوار و تربت حیدریه قرار دارند. در سال ۱۳۷۵ شهرستان نیشابور ۲۴۳ هزار نفر (۹/۳ درصد) از جمعیت روستایی را به خود اختصاص داده و سهم خود را کمی بهبود

بخشیده است. شهرستانهای بجنورد با ۲۴۳ هزار نفر (۹/۳ درصد)، سبزوار با ۲۳۳ هزار نفر (۸/۹ درصد) و تربت حیدریه با ۲۲۰ هزار نفر (۸/۴ درصد) در رده‌های بعدی قرار گرفته‌اند.

سهم شهرستان بیرجند که در سال ۱۳۶۵، ۷/۹ درصد از جمعیت روستایی استان بوده در سال ۱۳۷۵ به ۵/۵ درصد کاهش یافت. هر چند یکی از مهمترین دلایل این امر خروج افغانه از این شهرستان است، لیکن، اگر رقم سال ۱۳۷۵ را با سهم این شهرستان در سال ۱۳۵۵ مقایسه کنیم در طی ۲۰ سال سهم این شهرستان کاهش یافته است. در این دهه برخی از شهرستانها که جمعیت افغانی چندان نیز نداشتند دارای نرخ رشد منفی بوده‌اند، سبزوار با ۰/۴- درصد، درگز با ۱- درصد، شیروان با ۰/۹- درصد و چناران با ۱/۱- درصد از این دسته هستند.

در این دهه همچنین، سهم شهرستانهای اسفراین، بیرجند، چناران، درگز، شیروان، فردوس، قوچان و گناباد از جمعیت روستایی استان کاهش یافته است و این مطلب نشان می‌دهد که جمعیت روستایی استان در دهه گذشته به سمت عدم تعادل پیش رفته و دارای توزیع نامتناسب بوده است.

پیش‌بینی جمعیت روستایی استان در سال ۱۴۰۰ (ش.۵):

برای پیش‌بینی جمعیت روستایی استان در افق ۱۴۰۰ (ش.۵)، از سه طریق می‌توان عمل کرد: اول اینکه، براساس نرخ رشد ده‌ساله (۷۵-۱۳۶۵) پیش‌بینی شود، دوم اینکه، از نرخ رشد ۲۰ ساله (۷۵-۱۳۵۵) استفاده شود و سوم اینکه، با توجه به موقعیت منطقه‌ای و تا حدودی منطبق بر توانهای منطقه‌ای، برای حفظ و نگهداری جمعیت روستایی، نرخ رشد خاصی را اعمال کرد. درخصوص مورد اول، به‌علت اینکه جمعیت در این دهه تحولات زیادی داشته است، از طرفی با ورود مهاجرین افغانی و خروج بیشتر آنها مواجه بوده‌ایم و از طرف دیگر، در دهه گذشته، سیاستهای کنترل جمعیتی خاص اعمال شد، لذا، این روند که روندی بسیار منفی است چندان نمی‌تواند مبنای پیش‌بینی قرار گیرد. مورد دوم که نرخ رشد ۲۰ ساله (۷۵-۱۳۵۵) است تا حدودی معقول‌تر از مورد اولی است. چرا که در سال مبدأ، یعنی ۱۳۵۵، جمعیت افغانی در استان وجود نداشت و تحولات شدید در دهه ۱۳۶۰ چندان تأثیرگذار نبوده است. ولی، از آنجایی که هم‌اکنون

تعدادی از جمعیت افغانی در استان بسر می‌برند، همچنین، با توجه به شناخت کارشناسی که از استان موجود است و با توجه به روند مهاجرفرستی نقاط روستایی و تبدیل نقاط روستایی بزرگ به شهر و محدودیت منابع آب و خاک به نظر می‌رسد نرخ رشد $\frac{۱}{۳}$ درصد جمعیت روستایی نیز نمی‌تواند مبنای پیش‌بینی قرار گیرد. لذا، سعی شده یک نرخ رشد منطقی‌تر اعمال شود.

براساس این نرخ رشد که برای جمعیت روستایی استان $\frac{۰}{۳۰}$ درصد در نظر گرفته شده جمعیت روستایی استان در سال ۱۴۰۰ به ۲۸۲۲ هزار نفر خواهد رسید. همانطوری که قبلاً گفته شد بسیاری از نقاط روستایی پرجمعیت به شهر تبدیل خواهند شد و این موضوع باعث کاهش جمعیت روستایی استان می‌گردد. به‌علاوه روند مهاجرت روستایی نیز تا حدودی وجود خواهد داشت. شهرستانهای سرخس با $\frac{۱}{۱}$ درصد و فریمان با ۱ درصد بالاترین نرخ رشد جمعیت روستایی را خواهند داشت. شهرستانهای فردوس، درگز، چناران و قوچان دارای نرخ رشد منفی هستند. در این سال شهرستان مشهد ۳۷۱ هزار نفر ($\frac{۱۳}{۱}$ درصد) از جمعیت روستایی استان را در خود جای داده است. شهرستانهای بجنورد با ۲۸۵ هزار نفر ($\frac{۱۰}{۱}$ درصد)، نیشابور با ۲۷۰ هزار نفر ($\frac{۹}{۵}$ درصد)، سبزوار با ۲۴۱ هزار نفر ($\frac{۸}{۵}$ درصد) در رده‌های بعدی قرار دارند. همچنین در این سال شهرستانهای نهبندان، فردوس، طبس و درگز هر کدام فقط یک درصد از جمعیت روستایی استان را دارا هستند. به‌طور خلاصه، می‌توان نتیجه گرفت، با توجه به روند فعلی و با در نظر گرفتن شرایط طبیعی مناطق استان در سال ۱۴۰۰، جمعیت روستایی استان به‌صورت نامتعادل‌تر توزیع خواهند شد. چرا که چهار شهرستان مشهد، بجنورد، نیشابور و سبزوار حدود ۴۳ درصد و چهار شهرستان نهبندان، فردوس، طبس و درگز تنها ۴ درصد از جمعیت روستایی استان را به خود اختصاص داده‌اند. روند فوق نشان می‌دهد که سهم جمعیت روستایی استان هر سال در حال کاهش است. از آنجایی که نرخ رشد جمعیت روستایی در بسیاری از شهرستانها منفی بوده و برعکس نرخ رشد جمعیت شهری مثبت و بالای ۴ درصد خواهد بود، لذا، برخی از نقاط به شدت از جمعیت روستایی تخلیه شده و برخی از نقاط شهری به شدت گسترش خواهند یافت. هر گونه استراتژی توسعه روستایی بایستی، اولاً، در جهت حفظ جمعیت روستایی و ثانیاً، در جهت توزیع بهینه آن در استان باشد.

جمعیت روستایی و نحوه توزیع آن در شهرستانهای استان خراسان

استان	مساحت	روستایر ۵۵	روستای ۶۵	روستای ۷۵	رشد ۵۵-۶۵	رشد ۶۵-۷۵	رشد ۵۵-۷۵	نسبت ۵۵	نسبت ۶۵	نسبت ۷۵	نرخ رشد	جمعیت ۱۴۰۰	نسبت ۱۴۰۰
استان	۲۰۰۲۹۲	۲۰۱۹۱۴	۲۳۲۳۵	۲۷۳۱۶	۳/۱	-۰/۲	۱/۳	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۰/۳	۳۳۳۱۸۶	۱۰۰
استرآباد	۲۸۹۲	۲۸۹۲	۲۸۹۲	۲۸۹۲	۲/۰	-۰/۲	۱/۱	۲/۱	۲/۸	۲/۸	۰/۵	۸۷۸۲۱	۳/۱
بجنورد	۱۷۰۰۲	۱۸۲۹۴	۲۲۷۳۸	۲۴۴۹۰	۲/۲	۰/۷	۱/۴	۹/۱	۸/۳	۹/۳	۰/۶	۲۸۵۰۵۲	۱۰/۱
بردهسکن	۶۲۸۱	۲۲۷۸۵	۲۲۷۸۵	۲۲۷۸۵	۲/۶	۰/۴	۱/۵	۱/۷	۱/۶	۱/۸	۰/۴	۵۱۶۱۱	۱/۸
بیرجند	۲۴۳۵۰	۱۲۱۶۹۵	۲۱۶۳۵۷	۱۲۵۰۸۶	۵/۹	-۳/۹	۰/۹	۶/۰	۷/۹	۵/۵	-۰/۱	۱۲۰۹۰۱	۵/۰
تایباد	۲۷۶۲	۵۲۳۶۵	۱۱۰۰۶۳	۸۲۰۰۰	۷/۷	-۳/۲	۲/۱	۲/۷	۲/۲	۳/۱	۰/۶	۹۵۲۷۰	۲/۴
تربت جام	۸۲۶۲	۸۲۸۷۰	۱۵۳۸۳۶	۱۳۶۰۷۵	۶/۴	-۱/۲	۲/۵	۴/۱	۵/۶	۵/۲	۰/۵	۱۵۲۱۹۳	۵/۴
تربت حیدریه	۱۳۷۵۶	۱۷۶۵۶۳	۲۱۰۶۶۳	۲۱۹۵۹۰	۱/۸	۰/۴	۱/۱	۸/۷	۷/۷	۸/۴	۰/۶	۲۵۵۱۲۷	۹/۰
چناران	۲۲۹۷	۷۵۲۶۶	۸۳۶۶۱	۷۵۲۰۶	۱/۰	-۱/۱	۰/۰	۳/۷	۳/۱	۲/۹	-۰/۳	۶۹۷۷۲	۲/۵
خواف	۹۱۲۸	۳۷۹۵۱	۷۶۰۹۲	۶۸۲۴۴	۷/۲	-۱/۱	۳/۰	۱/۹	۲/۸	۲/۶	۰/۴	۷۵۳۲۱	۲/۷
درگز	۲۱۹۲	۲۵۶۶۷	۲۴۶۶۱	۳۹۵۶۸	-۰/۴	-۱/۰	-۰/۷	۲/۳	۱/۶	۱/۵	-۰/۶	۳۲۰۵۶	۱/۲
سبزوار	۱۸۳۲۰	۱۹۰۵۷۴	۲۲۲۷۹۱	۲۳۳۲۶۶	۲/۵	-۰/۳	۱/۰	۹/۴	۸/۹	۸/۹	۰/۱	۲۲۰۶۰۷	۸/۵
سرخس	۵۲۷۹	۲۶۹۰۱	۳۶۷۹۲	۳۵۰۵۷	۳/۲	۲/۰	۲/۶	۱/۳	۱/۳	۱/۷	۱/۱	۵۹۳۱۹	۲/۱
شیروان	۳۶۹۶	۶۸۲۶۵	۷۸۹۱۹	۷۲۴۰۳	۱/۴	-۰/۹	-۰/۳	۳/۴	۲/۹	۲/۸	-۰/۵	۶۳۸۹۵	۲/۳
طبس	۵۵۲۰۲	۲۴۶۷۰	۳۲۲۷۲	۳۴۳۱۰	۳/۰	۰/۲	۱/۶	۱/۲	۱/۲	۱/۳	۰/۳	۳۶۰۹۷	۱/۳
نordوس	۱۸۵۸۸	۲۰۲۸۶	۳۲۲۶۵	۳۸۷۰۰	-۰/۳	-۰/۱	-۰/۲	۲/۰	۱/۴	۱/۵	-۰/۶	۳۳۰۰۹	۱/۲
فریمان	۲۰۰۹	۲۸۲۶۵	۴۶۰۲۹	۵۰۵۸۹	۴/۹	۰/۹	۲/۹	۱/۴	۱/۷	۱/۹	۱/۰	۶۲۹۵۸	۲/۳
قاریات	۱۵۵۳۵	۶۹۷۳۵	۱۰۰۲۳۲	۹۷۱۸۳	۴/۱	-۰/۷	۱/۷	۳/۵	۳/۸	۳/۷	۰/۵	۱۱۰۱۲۳	۳/۹
توجان	۵۳۰۲	۱۳۰۹۱۸	۱۶۷۹۹۲	۱۴۰۳۶۶	۱/۲	-۰/۵	۰/۴	۶/۵	۵/۴	۵/۳	-۰/۴	۱۲۷۰۷۲	۴/۵
کاشمر	۳۹۸۴	۸۱۰۳۲	۱۰۶۶۶۶	۱۰۹۶۵۳	۲/۸	۰/۳	۱/۵	۲/۰	۳/۹	۴/۲	۰/۵	۱۲۳۹۹۷	۴/۴
کنازک	۹۵۷۳	۵۲۵۲۴	۵۵۷۲۰	۵۲۳۳۵	۰/۲	-۰/۳	۰/۰	۲/۷	۲/۰	۲/۱	-۰/۴	۴۹۱۶۲	۱/۷
مشهد	۱۲۸۸۴	۲۱۶۰۹۵	۲۶۶۰۶۱	۳۳۹۹۱۳	۳/۲	۱/۲	۲/۳	۱۰/۷	۱۰/۸	۱۲/۹	۰/۴	۳۷۰۹۹۵	۱۳/۱
نیشابور	۳۳۲۸۸	۲۷۹۷۷	۵۱۱۶۲	۳۳۳۲۲	۶/۲	-۴/۲	۰/۹	۱/۴	۱/۹	۱/۳	-۰/۱	۲۲۲۵۲	۱/۱
نیشابور	۸۸۰	۱۸۲۶۵۳	۲۶۶۱۵۹	۲۴۷۷۷۳	۲/۹	-۰/۱	۱/۴	۹/۱	۹/۰	۹/۳	۰/۴	۳۶۹۹۰	۹/۵

استراتژیهای توسعه روستایی استان خراسان:

الف. استراتژیهای حفظ جمعیت روستایی:

۱. اعمال سیاست هدایت مهاجرتها. سیاست هدایت مهاجرتها بایستی در جهت مهاجرت سلسله مراتبی باشد. یعنی، مهاجران روستایی به شهرهای همان منطقه که ممکن است شهرهای کوچک و یا میانی باشند، صورت گیرد. به منظور دستیابی به هدف فوق شهرهای کوچک و میانی در مناطق بایستی تقویت شوند. امروزه مهاجرتهای روستایی عمدتاً به سوی شهرهای بزرگ صورت می‌گیرد.
۲. بالا بردن درآمد و کیفیت زندگی در روستاها و کاهش فاصله زندگی شهری و روستایی از طریق اعمال سیاستهای زیر:
 - ۱-۲. حداقل سرانه زمین برای خانوار کشاورز بایستی، با توجه به نوع کشت، به اندازه‌ای باشد که به تأمین زندگی زارع منجر شود.
 - ۲-۲. حداقل تعداد دام خانوارهای دامدار، با توجه به وضع معیشت، پاسخگوی نیازهای اساسی آنها باشد.
 - ۳-۲. رواج و گسترش فعالیتهای جنبی کشاورزی و دامداری که هم از نظر اشتغال و هم از نظر تأمین درآمد مفید واقع شود.
۳. ایجاد و تقویت ارتباط بین جامعه روستایی و شهری از طریق ایجاد و رشد شهرهای کوچک و متوسط، گسترش فعالیتهای کشاورزی، عرضه مستقیم محصولات کشاورزی در شهرهای منطقه، تمرکززدایی فعالیتهای خدماتی، ایجاد و گسترش تعاونیهای سهامی زراعی.
۴. حفظ و احیای مناطق طبیعی محیطهای روستایی از طریق:
 - ۱-۴. جلوگیری از استفاده بی‌رویه از زمین کشاورزی، مراتع و اقدام در جهت احیای مراتع با بذرپاشی، قرق و ...
 - ۲-۴. مهار آبهای سطحی و جلوگیری از آلودگی و هدر رفتن منابع آبی.
 - ۳-۴. جلوگیری از فرسایش خاک از طریق گسترش جنگلکاری، قرق مراتع و اعمال روشهای آبخیزداری.
 - ۴-۴. حفظ اکوسیستمهای طبیعی، جلوگیری از پیشروی بیابان و جلوگیری از آلودگی محیطزیست، بویژه آلودگی منابع آب و خاک.

۵. کاهش جاذبه‌های کاذب شهری و برنامه‌ریزی درجهت رفع دافعه‌های روستایی از طریق:
 - ۱-۵. سوق دادن امتیازات شهری به روستاها، افزایش مالیات بر فعالیتهای شهری و خدماتی.
 - ۲-۵. صنعتی کردن مراکز روستایی با تأکید بر صنایع کوچک، دستی و صنایع جنبی فعالیتهای کشاورزی و دامداری.
۶. مطالعه و بررسی راههای کنترل نزولات جوی به‌منظور استفاده در مصارف آب شرب و کشاورزی (اجرای طرحهای آبخیزداری و آبخوان‌داری، احداث بندها و سدهای ذخیره‌آبهای سطحی می‌تواند در این زمینه بسیار مفید و کارساز باشد).
- ب. استراتژی توزیع بهینه جمعیت روستایی:
 ۱. کاهش جمعیت در مناطق با تراکم زیاد به‌ویژه در مناطقی که دارای کشت فشرده هستند. این عمل ممکن است از طریق گسترش فعالیتهای اشتغال‌زا در بخشهای صنعت و خدمات صورت گیرد.
 ۲. توجه و تأکید بیشتر به مناطق مستعد کشاورزی توسعه‌نیافته و شناخت استعدادها و قابلیتهای ناشناخته این مناطق.
 ۳. گسترش سطح زیرکشت آبی و تلفیق بیشتر دامپروری کوچک با کشاورزی، به‌منظور حفظ جمعیت مناطق.
 ۴. افزایش بازدهی و عملکرد در هکتار، از طریق اصلاح گونه‌ها، به‌کارگیری واریته‌های مقاوم به خشکی و شوری.
 ۵. خدمات‌رسانی و سهولت دسترسی به انواع خدمات به‌منظور جلوگیری از مهاجرتها و تأمین حداقل نیاز از طریق:
 - ۱-۵. اصلاح و سازماندهی خدمات‌رسانی به روستاها از طریق حوزه‌های خدمات روستایی چندسطحی.
 - ۲-۵. هماهنگی بین نیازهای خدماتی روستایی و تصمیم‌گیرندگان (با توجه به محدودیت امکانات در مراحل اول نیازهای اساسی برطرف شوند).
 - ۳-۵. یکپارچگی میان‌بخشی، هماهنگی دستگاههای اجرایی مرتبط با خدمات رسانی

- با هدف جلوگیری از اتلاف سرمایه‌ها و رفع حداکثر نیاز بسیار لازم و ضروری است. (تعیین سایتهای اسکان عشایر بایستی با توجه به استعدادهای طبیعی و مجاورت با مراکز و مجموعه‌ها و منظومه‌ها صورت گیرد).
۶. حفظ مناطق حاشیه‌ای و توسعه نیافته از طریق گسترش کشت محصولات سودآور، ایجاد فعالیتهای غیرکشاورزی به منظور بالابردن توان نگهداری جمعیت.
۷. اصلاح شبکه شهری استان و تقویت شهرهای میانی به منظور توسعه اقتصادی روستاهای حاشیه شهرها. یکی از اقدامات اساسی در این راه تنظیم سلسله مراتبی شهرهاست به طوری که شهرهای رده اول از نظر جمعیت و برخورداریها، فاصله عمیقی با رده‌های بعد نداشته باشند. توزیع جمعیت و امکانات به نحوی صورت گیرد که حداکثر جمعیت استان بتوانند از امکانات برخوردار شوند. روستاهای حاشیه شهرها علاوه بر برخورداری از امکانات و خدمات شهری به ارایه محصولات مورد نیاز جامعه شهری بپردازند.

سیاستها و خط‌مشی‌های اساسی جامعه روستایی استان:

۱. مطالعه و طراحی ساختار فضایی مطلوب و تجهیز سلسله مراتبی مراکز روستایی از نظر زیربنای، خدمات پشتیبانی تولید و خدمات اجتماعی و فرهنگی در قالب نظام سطح‌بندی خدمات. با توجه به محدودیت منابع و اصل عدالت اجتماعی در برخورداری از انواع خدمات، برنامه‌های اسکان، تجمیع و ساماندهی روستاهای پراکنده ضروری است. دستگاههای اجرایی مرتبط با فعالیتهای فوق بایستی با یکپارچه کردن امکانات از دوباره‌کاری و اتلاف سرمایه و نیروی انسانی پرهیز کنند.
۲. تأکید بر توسعه صنعت در روستاها از طریق ایجاد نواحی صنعتی، استقرار کارگاههای صنایع روستایی بویژه صنایع وابسته به کشاورزی، دامداری و منابع طبیعی (صنایع روستایی می‌تواند منجر به کاهش نابرابری فضایی در توسعه اجتماعی و اقتصادی شود. بویژه در نواحی حاشیه‌ای این امر موجب جمعیت‌پذیری و هدایت مهاجرتهای بین‌منطقه‌ای می‌گردد).
۳. برقراری هماهنگی در مدیریت برنامه‌ریزی توسعه روستایی از طریق اصلاح قوانین و مقررات، تعیین جایگاه مناسب برنامه‌ریزی روستایی در نظام برنامه‌ریزی کشور،

یکپارچه کردن امکانات ملی برای رسیدن به هدف واحد که همان توسعه نواحی روستایی است.

۴. ایجاد تحول در ساختار تولید روستایی و عشایری از طریق آموزش، ترویج و ایجاد تحول در آموزش فنی و حرفه‌ای به طوری که آموزشها منطبق بر نیازهای جامعه روستایی باشد، برقراری سیستم آموزشی سیار، بهره‌برداری مطلوب از منابع طبیعی با مشارکت روستاییان.

۵. بهبود الگوی ساخت و ساز مسکن روستایی از طریق هدایت روستاییان به ایجاد واحدهای مسکونی مقاوم و بهداشتی. یکی از مهمترین مسایل جامعه روستایی در حال حاضر وضعیت مسکن روستایی است. علاوه بر اینکه مساکن روستایی از لحاظ رعایت اصول بهداشتی چندان منطبق بر استانداردهای امروزی نیست و در زمینه استحکام و ایمنی نیز در وضعیت نامطلوب قرار دارند، با توجه به زلزله‌خیزی استان خراسان، به‌منظور جلوگیری از خسارتهای احتمالی مالی و جانی، بایستی با برنامه‌ریزی اصولی در مکانیابی سکونتگاهها و ساخت مساکن روستایی در مقابل بلایای طبیعی: اعم از زلزله و سیل و ریزش دامنه‌ها، کاملاً ایمن گردند.

۶. اعطای تسهیلات اعتباری و معافیت‌های مالیاتی در زمینه ایجاد صنایع، اشتغال، مسکن و اصلاح ساختار کالبدی. در این زمینه می‌توان با جهت‌دهی مناسب تبصره‌های بودجه (تبصره ۵۰، ۶، ۳۷ و...) به‌منظور ایجاد اشتغال، تولید و ارایه خدمات بهره گرفت.

۷. توسعه و تعمیم آموزش و پرورش، بهداشت و درمان از طریق افزایش سرمایه‌گذاریهای فیزیکی و انسانی متناسب با الگوی سکونت. این امر با تحقق بند ۲۰۱ ممکن می‌گردد.

۸. ارایه و اصلاح الگوی کشت متناسب با مزیت‌های نسبی مناطق و منطبق بر تواناییهای آب و خاک، اجرای برنامه‌های اصلاح زمین اعم از زهکشی، تسطیح و یکپارچگی اراضی.

منابع:

۱. برنامه‌ریزی مهاجرت‌های داخلی، دکتر لهسایی‌زاده، انتشارات نوید، شیراز، ۱۳۷۲.
۲. نتایج مقدماتی سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۷۵.